

عادت آمریکا به عزاکردن عروسی‌ها

گروه سیاسی | نه. تعجب نکنید: آمریکا در این دست جنایت‌ها، سابقه فراوان و تجربه بسیاری دارد. در حمله هوایی سال ۲۰۰۸ به یک مراسم عروسی در ولایت ننگرهار افغانستان دست‌کم ۴۰ غیرنظامی را قربانی و ۲۸ نفر دیگر را زخمی کرد.

در عراق نیز حمله ماه می سال ۲۰۰۴ قوای اشغالگر آمریکا به روستای الدیب، جایی که مراسم عروسی برگزار شده بود، دست‌کم ۴۰ نفر را به کام مرگ فرستاد، اما شاید یکی از مستندترین نمونه‌ها مربوط به یمن باشد؛ در دسامبر ۲۰۱۳، حمله پهبادی آمریکا به کاروانی که برای مراسم عروسی حرکت می‌کرد، دست‌کم ۱۲ نفر را کشت و حداقل ۱۵ نفر دیگر را زخمی کرد؛ عروس نیز در میان مجروحان بود. حالا به این فهرست جنایت‌کاری باید شب‌خونین سیریک را هم افزود.

■ میناب، لامرد و حالا سیریک

قرار بود شب شهر کوهستک سیریک، شب بلخند و شادی باشد؛ صدای جشن عروسی در خانه‌ای مسکونی بیجید و خانواده‌ها کنار هم، آغاز زندگی تازه‌ای را جشن بگیرند. اما ناگهان صدایی وحشتناک، شادی آن‌ها را به فریاد و عزاتبدیل کرد. حمله ارتش تروریستی آمریکا به این عروسی، چهار نفری را به کام مرگ برد که برای جشن آمده بودند. حالا سیریک در سوگ شبی است که می‌توانست خاطره‌ای شیرین باشد اما به کابوسی مرگبار تبدیل شد. مردم این منطقه جنوبی کشورمان که برای جشن و شادی کنار هم جمع شده بودند، در یک چشم برهم زدن، داغدار شدند. در این جنایت، ترکش‌های انفجار تنها یک خانه را هدف نگرفت؛ خانه‌های اطراف نیز از این حادثه در امان نماندند و حالا برای مردم کوهستک سیریک، صدای جشن و شادی باقی نمانده است؛ آنچه مانده، جای خالی چهار نفر و خانواده‌هایی داغدار و خاطره شبی است که عروسی بود، اما به عزاتبدیل شد. خبرنگار ایرنا در این زمینه از نماینده مردم میناب، رودان، جاسک، سیریک و ویشاگرد در مجلس درباره حمله سه‌شنبه شب گذشته آمریکا به مراسم عروسی کوهستک سیریک پرسید. سیدعبدالکریم هاشمی نخل ابراهیمی گفت: با هجوم یک پهباد به منزل مسکونی واقع در مرکز شهر یک مجلس عروسی مورد هدف سفاکانه دشمن قرار گرفت. دشمن در حملاتی هم که انجام می‌دهد، متأسفانه مناطق غیرنظامی با جمعیت زیاد را هدف قرار می‌دهد. پس از ارتکاب جنایت مدرسه میناب و شهر لامرد، دشمن اینک در کوهستک مرتکب جنایت‌بزرگ دیگری شده‌است که امیدواریم افکار عمومی جهانپان ووجدان آگاهو بیدار آزادگان جهان آن‌را محکوم کنند.



یادداشت

مجتبی خاتونی

حقیقت و یک واقیعت

حقیقت این است که حالا در همین لحظه، هیچ یک از ما به کمتر از سر ترامپ راضی نیست(هر چندارزشش از یک نخ آن زیلوی کهنه آبی سوخته در آن خانه آسمانی کمتر است). به کمتر از محور رژیم شایسته‌سال اسرائیل؛ به‌اخراج آمریکا از منطقه و پایان سلطه‌گری آن در جهان... بله این یک حقیقت است که از یک حق ناشی می‌شود؛ حق مادر خونخواهی پیشوای شهیدمان، در خونخواهی گل‌های پرپر میناب و سیریک؛ در خونخواهی آرمان وروح‌الله تار رئیسعلی و سوزناو هامان! حقی! از جنس همان زندگی تهدید و تحدید شده‌دها میلیون ایرانی زیر سایه تحریم و محاصره و نفوذ آمریکایی- صهیونیستی. اما بلافاصله پس از این یادآوری لازم و تکرار این حقیقت غیر قابل انکار، باید چند واقعیت مهم را هم مرور کنیم: نخست اینکه فارغ از سنت‌های الهی و آنچه اندیشمندان دینی از آن به عنوان قاعده استدراج یاد می‌کنند و آن عبارت است از نزدیک شدن تدریجی و غیرملموس کافران به عذاب الهی؛ ترتیبات مادی و تجربه‌شده انسانی و اجتماعی نیز، به ما یادآور می‌شوند که معمولاً اتفاقات بزرگی چون محو یک رژیم هرج و مرج مطلب تا دندن مسلح یا اخراج یک هژمون قریب به صد ساله از مستعمراتش؛ چیزی است که در معادلات ژئوپلیتیک و حتی بالاتر از آن، ژئواستراتژیک تعریف‌شده و معمولاً به چند عامل نیازمند است؛ از طی چرخه‌های رشد و شوک‌فاشی تا ورود به روندهای ضعف و زوال، وقوع حادثه محرک، ظهور عوامل سرکش، فراگیری طغیان و در نهایت شروع فرایند فروپاشی!

بدون افراق می‌توان گفت انقلاب اسلامی مردم ایران به رهبری امام فقید و به راهبری امام شهیدمان؛ این فرایند را فشرده کرده و با تبدیل یک روند شاید چندصدساله به چیزی کمتر از نیم قرن؛ کار را به جایی رسانده که حالا، مردم ایران، بحق انتظار فروپاشی ساختار سلطه آمریکایی- صهیونیستی را می‌کشیم. انتظاری بحق که باید از پشت شیشه‌های عینک سیدعلی حسینی خامنه‌ای به آن نگرست و او کسی بود(پو؟) کاش می‌مرد و به استفاده از فعل ماضی نمی‌رسیدم(بله او کسی است که در حالی که فرزندانش صدها متر زیر کوه‌ها و اعماق زمین، زرادخانه‌های موشکی را البریز می‌کردند؛ با هر ابزار و روشی، زمان می‌خرد برای آن‌ها! یک روز با نرمش قهرمانانه و روزی با تهدید مستقیم آن دشمن خبیث؛ گاهی با اجازه‌بری تکراریک تجربه آزموده و البته نتیجه‌ای که می‌دانست و دگر روز با منع هر گونه مراده حتی یک عکس یادگاری با شیطان!

راستش را بخواهید ما هیچ وقت در شرایط صلح نبوده‌ایم! الان هم نیستیم به مراتب و شدت بیشتر؛ پس این استدلال که حالا شرایط جنگی است و آن زمان مصلحت ایجاد می‌کرده و امروز نه؛ به غایت اشتباه است! مصلحت‌سنجی‌ای که گاهی من نسبت‌اجوان از آن شاک می‌هستم (و احتمالاً بعضی موارد حق با من هم باشد) اما همان کلید طلایی است که حالا جمهوری اسلامی ایران را به آستانه بازدارندگی و برقراری موازنه با توحش کراوات‌زده و بردگان منطقه‌ای و بین‌المللی آن رسانده... البته پرواضح است که مصدر و مبدأ مصلحت و مصلحت‌سنجی، نه فلان مسئول اجرایی و یا یک قلم به دست نوآموز چون من، که «قوه عاقله نظام» و در این شرایط خاص به شکل مشخص «رهبر عظیم‌الشان انقلاب» (حفظه الله تعالی) بوده و نتیجه نیز همان است که امروز (در عرصه نظامی- سیاسی) شاهد آنیم؛ تا اینجا، کاری که شکست تمام‌عباری برای ایالات متحده آمریکا!

نقدی بر اظهارات حاشیه‌ساز حسین مرعشی پیرامون روابط ایران و چین

اشتباه مکرر بزرگ‌ترها در روزهای جنگ



هدایت جاوید اظهارات دبیرکل حزب کارگزاران سازندگی درباره مناسبات با چین، در هنگامه فشارهای خارجی و کارزار ضدبیشری آمریکا علیه ایران که در آخرین پرده با جنایت و حمله به جشن عروسی در کوهستک سیریک خود را نشان داد، در فضای داخلی حاشیه‌ساز شده و کارزاری رسانه‌ای به پا کرده است.

حسین مرعشی در مصاحبه‌ای مدعی است، اژدهای زرد برای سفر قالیباف - که در اردیبهشت ماه با پیشنهاد رئیس جمهور و تأیید رهبر معظم انقلاب به عنوان «نماینده ویژه ایران در امور چین» منصوب شد - به پکن، شرط گذاشته! وی می‌گوید: «خیلی روشن به ما گفته‌اند؛ تنگه هرمز را باز می‌کنید، عوارض نگیرید، با عربستان سعودی و آمریکا مسائل خود را حل می‌کنید، بعد قالیباف به چین می‌آید. الکی دنبال توهم نباشید، تا مسئله با آمریکا را حل نکنید، برای چین هیچ اهمیتی ندارد!».

روزشمار جنگ | روز صد و هشتاد و دوم

واشنگتن میان دو خواسته گرفتار شده است؛ وارد کردن فشار بیشتر به ایران و جلوگیری از تبدیل همان فشار به جنگی بزرگ‌تر

نقدی بر اظهارات حاشیه‌ساز حسین مرعشی پیرامون روابط ایران و چین

اشتباه مکرر بزرگ‌ترها در روزهای جنگ



■ توسعه مناسبات با پکن بر پایه احترام متقابل

سخنان چهره‌سیاسی مذکور و تقلیل دادن نقش ایران به کرات بازی پکن و واشنگتن در شرایطی که جمهوری اسلامی سربلند بیرون آمده از رویارویی نظامی با آمریکا، جای پای خود را محیط جهانی محکم کرده و به‌عنوان الگویی برای آزادی‌خواهان تبدیل شده، پرسش برانگیز بوده و واکنش‌هایی به دنبال داشته‌است. دفتر نماینده ویژه ایران در امور چین در پاسخ، با انتشار اطلاعیه‌ای به شفاف‌سازی در این زمینه پرداخته و تأکید کرده: «انتساب چنین شروطی به طرف چینی و ادعای مشروط‌شدن سفر و توسعه روابط به تحقق موارد مطرح‌شده، نادرست‌است. مخالفت قاطع و صریح پکن در برابر تحریم‌های یک‌جانبه آمریکانشان‌دهنده رویکرد حمایتی در قبال جمهوری اسلامی است. روابط بر پایه احترام متقابل، منافع مشترک و مشارکت جامع راهبردی استوار بوده و همکاری و رایزنی‌ها در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی، تجاری، سرمایه‌گذاری و سایر زمینه‌های مورد توافق، در حال پیگیری و توسعه‌است».

■ چین جواب مرعشی را داد!

موازی با تکذیبیه رسمی و در محیطی که بگومگوها در فضای رسانه‌ای و مجازی درباره موضوع اخیر بالا گرفته، گام حمایتی چین از ایران درباره تنگه هرمز، آبی بر آتش ادعای بی‌راه مرعشی بود. ماجرا از این قرار است که نشست دوروزه وزرای دارایی و رؤسای بانک‌های مرکزی گروه بیست که به میزبانی آمریکا در اوشویل کارولینای شمالی برگزار شد، به صحنه‌ای از تقابل اژدهای زرد در برابر راهبرد ضدایرانی دولت ترامپ تبدیل شد. در اجلاس، پکن به‌عنوان تنها عضو، مستقیماً با بند مربوط به تنگه هرمز در بیانیه پایانی به مخالفت برخاست؛ تنبصره‌ای که در آن نسبت به ادامه اختلال در تجارت انرژی (توسط جمهوری اسلامی) ابزار نگرانی شده و بر «آمدود شد آزاد، ایمن و قابل پیش‌بینی» از طریق این آبراه تأکید شده‌بود. در پی این مخالفت و حاصل نشدن اجماع کامل، بیانیه مشترک گروه بیست صادر نشد و آمریکا به‌عنوان رئیس دوره‌ای، «بیانیه رئیس گروه بیست» را منتشر کرد.

گروه سیاسی | آمریکا طی شبانه‌روز گذشته جنوب و غرب ایران را

بمباران کرد و نشان داد خوی متجاوز و وحشی این رژیم تروریستی، تغییر نخواهد کرد. ترامپ تهدید کرد اگر ایران پاسخ دهد، حملات شدیدتری در راه خواهد بود، اما ایران به این هشدار اعتنا نکرد و پایگاه‌ها و تأسیسات مرتبط با نیروهای آمریکایی در اردن، کویت، بحرین، اربیل و امارات را هدف قرار داد.

درست در میانه همین تبادل آتش، رویترز از بحث متفاوتی در داخل دولت آمریکا پرده برداشته است. شماری از مقام‌های ارشد دولت ترامپ، از جمله نزدیکان جی دی ونس و مارکو ربویو، معتقدند جنگ باید دست‌کم تا انتخابات میان‌دوره‌ای سوم نوامبر در سطحی مهارشدنی باقی بماند. محبوبیت جنگ پایین است، قیمت انرژی بالا رفته و فرماندهان نظامی نیز درباره فشار بر ذخایر مهمات و آمادگی آمریکا در دیگر نقاط جهان هشدار داده‌اند. آنچه آمریکا می‌خواهد، در عمل دشاوتر از آن چیزی است که به نظر می‌رسد؛ یعنی افزایش فشار بر ایران، بدون پذیرفتن هزینه‌های یک جنگ گسترده‌تر.

■ واشنگتن به دنبال ضربه بیشتر است، نه جنگ بیشتر

لوسیانو زاکارا، پژوهشگر سیاست خلیج فارس در دانشگاه قطر، معتقد است اضافه شدن حملات نظامی به تحریم‌ها ناشی از همین مسئله است. تحریم برای اثرگذاری زمان می‌خواهد ولی ترامپ برای نمایش دستاورد زمان زیادی ندارد. در نتیجه حمله قرار است فشار

آسان و خالی از دردسر نبوده است. نفوذ اقتصادی فوق‌العاده چین رقیب و در واقع دشمن سنتی هند، ظرفیت بسیار بالای اثرگذاری سیاسی روسیه، حضور پاکستان در سازمان که بر پیچیده‌تر شدن موقعیت هند در شانگهای اثرگذاری دارد و در نهایت نوع نگاه آمریکا به شانگهای در چارچوب سازمانی محل نظم بین‌المللی حاکم؛ همگی از مواردی هستند که مشارکت هند در این ساختار منطقه‌ای را با دشواری‌ها و ابهاماتی مواجه می‌کنند.

اما دهلی‌نو با وجود همه این پیچیدگی‌ها و دشواری‌ها همچنان بر حضور فعال در شانگهای اصرار می‌ورزد؛ چرا که به قول تحلیلگران هندی، آن را بستری برای ارتباط و دسترسی هر چه بیشتر به منطقه اوراسیا می‌بیند. در این راستا هند سه رکن کلیدی را برای چشم‌انداز همکاری خود با سازمان شانگهای مد نظر قرار داده است؛ «امنیت»، «اتصال» و «فرصت». در این میان نکته مهم و درخور تأمل اینکه از سخنرانی نخست‌وزیر هند در اجلاس شانگهای و همچنین حواشی مرتبط با ملاقات رهبران دو کشور در بیشکک، می‌توان این گونه استنباط کرد که ایران در مرکز ثقل هر سه رکن کلیدی ارتباط دهلی‌نو با سازمان شانگهای جای می‌گیرد.

الف) امنیت؛ در این حوزه نخست‌وزیر هند در اجلاس شانگهای و در نشست دوجانبه سران، نکاتی را مورد تأکید قرار می‌دهد که از منظر ایران هم ریشه ناآرامی‌ها و شرایط اخیر منطقه تلقی می‌شود. مودی در نشست یادآوری می‌کند در دنیای به هم پیوسته کنونی دامنه ارتباطات امنیتی به طور قابل توجهی گسترش یافته و دقیقاً به همین دلیل است که یک بحران در غرب آسیا (شاره به تجاوز آمریکا و اسرائیل به ایران) در این محدوده باقی نمانده و بر کل ساختار امنیت انرژی جهانی، تجارت دریایی و زنجیره تأمین اثرگذاری نشان می‌دهد. در این میان بدون شک جنوب جهانی بیشترین بار این پیامدها را متحمل می‌شود. بنابراین هند بر حل مناقشات و درگیری‌ها تنها از طریق گفت‌وگو و دیپلماسی تأکید دارد و این همان موضع مشترکی بود که رهبران دو کشور در ملاقات دوجانبه بر آن پافشاری خاص داشتند. شاید به همین دلیل است که برخی تحلیلگران در داخل هند این ملاقات را دیداری فراتر و مهم‌تر از روابط دوجانبه ارزیابی کردند.

ب) اتصال؛ اتصال به منطقه اوراسیا و به طور خاص آسیای مرکزی را باید یکی از مهم‌ترین اهداف هند از مشارکت در سازمان منطقه‌ای شانگهای دانست. با این حال هند برای این اتصال با یک مشکل اساسی مواجه است؛ جغرافیای سیاسی. اختلافات و تنش‌ها با پاکستان، اوضاع بی‌ثبات افغانستان و اخیراً درگیری‌ها در خلیج فارس، بیش از پیش هندی‌ها را متقاعد کرده است

برخی ناظران سیاسی یکی از نگرانی‌های چین در خصوص بند تنگه هرمز را ادبیات به‌کاررفته از سوی اسکآت بسنت، وزیر خزانه‌داری آمریکا عنوان می‌کنند؛ ادبیاتی که می‌تواند بعدها درباره تنگه تایوان و دریای چین جنوبی که پکن بر آن‌ها ادعای حاکمیت دارد، مبنای استدلال قرار گیرد. فارغ از این نتیجه‌گیری، نفس ایستادگی تک‌وتنهای یکن مقابل رویکرد تهاجمی واشنگتن برابر تهران، در حالی که حتی روسیه پس از سال‌ها طردشدن از نشست، این بار در محذوریت قرار گرفته‌و به نوعی با تمایلات غرب همراه شده، بسیار حائز اهمیت بوده و ادعای مرعشی را به چالش می‌کشد.

■ ابزار جنگ روانی دشمن نشویم

هججه مرعشی به مناسبات با چین در فضایی است که طرفین به‌تازگی با روی میز گذاشتن برنامه ۲۵ساله همکاری‌های مشترک، تقویت راهبردی روابط را هدف گذاری کرده‌اند. پیرو آن انتخاب شهید علی لاریجانی و سپس محمدباقر قالیباف به عنوان نماینده ویژه ایران در امور چین، مهر تأییدی بر این موضوع بود. این روابط ویژه سیاسی، نظامی، اقتصادی، امنیتی و... در مقطع اخیر، اگرچه ممکن است در فضای رسانه‌ای چندان بازتاب نداشته باشد ولی به سبب ملاحظات روشن و وجود دشمن مشترکی به نام آمریکا در دو پایتخت بسیار مهم ارزیابی می‌شود. با این دید، رسالت کنونی بر دوش طیف‌ها و جریان‌ها، مهیا کردن فضای مثبت در تقویت مناسبات با کشورهای دوست و پرهیز از حاشیه‌سازی بیجاست. همان گونه که در بیانیه دفتر نماینده ویژه جمهوری اسلامی ایران در امور چین آمده، روابط خارجی کشور و منافع ملی، عرصه رقابت‌ها و منازعات جناحی و رسانه‌ای نیست و صیانت از آن، مسئولیتی مشترک است. بنابراین از رسانه‌ها، فعالان سیاسی و صاحب‌نظران انتظار می‌رود در انتشار مطالب مرتبط با روابط خارجی کشور، به‌ویژه مناسبات با شریکان مهم بین‌المللی، دقت لازم را به عمل آورده و از انتشار اخبار، برداشت‌ها و گمانه‌زنی‌های تأیید نشده که می‌تواند بر منافع ملی تأثیرگذار باشد، خودداری کنند. جالب آنکه ادعای حسین مرعشی در حالی است که چنین مسئله‌ای را حتی بازوهای عملیات روانی آمریکایی هم منتشر نکرده‌اند! اما او در حساس‌ترین زمان، با آدرس و گرای غلط دادن، عملاً به بازی در زمین دشمن پرداخته است. باید یادآور شد، مسئله سوگیری افراد سیاسی نیست، اما مراقبت لازم است تا ابزار جنگ روانی دشمن نشویم.

واشنگتن میان دو خواسته گرفتار شده است؛ وارد کردن فشار بیشتر به ایران و جلوگیری از تبدیل همان فشار به جنگی بزرگ‌تر

جنگ افروزی با هراس تشدید

ظرفیت ماندگار ایران تأکید کرده است. به گفته او، پس از ۶ماه هنوز نشانه‌ای روشن از تمام‌شدن توان موشکی ایران دیده نمی‌شود و تهران همچنان قادر است به حملات پاسخ دهد. پوری همچنین اهداف نهایی آمریکا را «بسیار مبهم» توصیف کرده است.

■ فرسایش، حالا در واشنگتن هم دیده می‌شود

هزینه ادامه جنگ دیگر فقط موضوع گزارش‌های بیرونی نیست. مرکز سوفان در ارزیابی‌های اخیر خود هشدار داده کاهش ذخایر تاد، پاتریوت و تاماهاوک می‌تواند آمادگی آمریکا را در برابر چین، روسیه و کره شمالی محدود کند. این مرکز برآورد می‌کند بازگشت بعضی ذخایر به سطح پیش از جنگ ممکن است چند سال زمان ببرد. ناو ابراهام لینکلن نیز پس از یک استقرار بسیار طولانی سرانجام به تایلد رسیده و باید وارد دوره تعمیر و بازایی شود؛ نمونه کوچکی از بهایی که جنگ برای ظرفیت جهانی آمریکا ایجاد کرده است. و این هزینه دیگر فقط نظامی نیست. نفت نزدیک ۹۵ دلار معامله می‌شود و موج فروش اوراق قرضه، هزینه استقرارش را در آمریکا، اروپا و آسیا به سطوح چند ساله و در برخی موارد چند دهه‌ای رسانده است. رویترز نوشته است شوک انرژی دوباره نگرانی از تورم و افزایش نرخ بهره را به مرکز بازارهای جهانی برگردانده است. برای ایران، مسئله اصلی در این مرحله صرفاً پاسخ دادن به هر حمله نیست؛ مهم‌تر این است که آمریکا نتواند هم شدت فشار را تعیین کند و هم هزینه تشدید را برای خودش محدود نگه دارد.

که ایران می‌تواند بهترین و حتی تنها راه اتصال آن‌ها به شانگهای و منطقه اوراسیا باشد. مودی در اجلاس شانگهای بر ایجاد اتصال قوی و قابل اعتماد هند با کشورهای عضو شانگهای تأکید کرده و در این راستا همه ابتکاراتی که بازارها را به هم متصل، تجارت را تسهیل و راه‌های جدیدی را برای رشد باز کند، مورد استقبال قرار می‌دهد. تحلیلگران و سیاستمداران هندی در داخل این کشور از جمله سیهید سیدعطا حسنین از فرماندهان سابق ارتش و فرماندار کنونی بهار، باور دارند که ایران و پروژه‌هایی مانند چابهار و کریدور شمال - جنوب می‌توانند در مرکز ثقل این اتصال قرار داشته باشند.ج) فرصت؛ از منظر هندی‌ها نشست شانگهای و شاید مؤثرتر از آن، نشست‌های حاشیه‌ای سران در بیشکک، فرصتی ارزشمند برای اتصال با اوراسیا در اختیار هند قرار می‌دهد. به تعبیر یکی از تحلیلگران هندی، حضور هند در شانگهای نشان داد هند در همان جایی است که باید باشد. دیدار مودی با رئیس‌جمهور ایران و تأکید نخست‌وزیر هند بر تجربه چابهار و ارتباط با ایران، با وجود دوران سختی که در طرف تجربه کرده‌اند را در واقع باید بهره‌گیری دهلی‌نو از فرصتی دانست که نشست شانگهای برای آن فراهم کرده بود. در عین حال پافشاری نخست‌وزیر هند بر ضرورت پیگیری گفت‌وگوهای تمدنی و افزایش ارتباطات میان ملت‌های منطقه را نیز باید از همین زاویه مورد سنجش قرار داد.